

فرهنگ‌نامه سخن و سکوت

www.ketab.ir

محمد محمدی ری شهری

مرتضی خوش نصیب

میرشنامه

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۲۵-۱۴۰۱، خوش‌نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲ -

Mohammadi Reyshahri, Mohammad, 1946-2022

عنوان و نام پدیدآور

فرهنگ‌نامه سخن و سکوت/ محمد محمدی‌ری‌شهری، مرتضی خوش‌نصیب؛ ترجمه احادیث مرتضی خوش‌نصیب؛ ویراستار محمدباقری‌زاده اشعری.

مشخصات نشر

م: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری

۲۶۵ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ م.م

فروست

فرهنگنامه‌ها؛ ۲۰.

شابک

978-622-207-192-9

وضعیت فهرست نویسی

لیبا

یادداشت

کتابنامه به‌صورت زیرنویس.

موضوع

گفتار -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

Speech -- Religious aspects -- Islam

سکوت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

Silence -- Religious aspects -- Islam

شماره لزوده

خوش‌نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲ -

رده بندی کنگره

۲۵۱BP

رده بندی دیوبی

۶۳۴/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی

۹۱۱۰۶۵۶

اطلاعات رکورد کتابشناسی

لیبا



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه قرآن و حدیث

فرهنگ‌نامه سخن و سکوت

محمّد محمّدی‌ری‌شهری، مرتضی‌خوش‌نصیب

مترجم: مرتضی‌خوش‌نصیب

مصدریاب: رضا بیرانوند

پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۲۸۲

شماره فرست فرهنگ‌نامهها: ۲۰

ویراستار فارسی: محمّد باقری‌زاده اشعری

ویراستار عربی: حسنین دباغ‌پور

نمونه‌خوان: علی‌نقی پارسانیا

حروفچینی: حسین الفخمیان

صفحه‌آرا: مهدی خوشرفتار اکرم

طراح جلد: حسن کرزنگان

ناشر: مؤسسه انتشاراتی دار الحدیث

چاپ: اول، ۱۴۰۲ش

چاپخانه: خانه چاپ جمکران

شمارگان: ۵۰۰



مؤسسه انتشاراتی دارالحدیث

مؤسسه انتشاراتی دار الحدیث: قم، میدان شهنا، ابتدای خیابان معلم، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۶۵۰ و ۰۲۵-۳۷۷۴۰۵۲۳ ص.ب: ۳۷۱۸۵/۴۴۶۸

<http://darulhadith.ir>

darulhadith.20@gmail.com

فهرست اجمالی

۷.....	پیش‌گفتار
۹.....	درآمد

بخش اول: سخن

۱۹.....	فصل اول: ویژگی‌های زبان
۲۷.....	فصل دوم: جایگاه سخن
۴۵.....	فصل سوم: مراقبت از زبان
۷۳.....	فصل چهارم: آسیب‌های زبان
۱۰۵.....	فصل پنجم: انواع سخن
۱۴۱.....	فصل ششم: آرایه‌های سخن
۱۹۵.....	فصل هفتم: امیران سخن
۱۹۹.....	فصل هشتم: سخنان فراگیر و کامل

بخش دوم: سکوت

۲۰۵.....	فصل اول: فضیلت‌های سکوت
۲۱۵.....	فصل دوم: تشویق به سکوت طولانی
۲۲۳.....	فصل سوم: ادب سکوت
۲۲۷.....	فصل چهارم: آثار سکوت
۲۳۷.....	فصل پنجم: عوامل سکوت
۲۴۵.....	فصل ششم: آن‌جا که سکوت بسیار، زینده است
۲۵۵.....	فصل هفتم: آن‌جا که سکوت، زینده نیست
۲۵۹.....	فهرست تفصیلی

پیش‌گفتار

ستایش و سپاس، تنها سزاوار ایزد متعال است که انسان را آفرید و به او توان سخن گفتن داد،^۱ و سلام و درود بر پیامبر رحمت و اهل بیت گرامی او که سخن‌شناس‌ترین و سخنگوترین مردمان اند.^۲

سخن گفتن شایسته و بایسته، گاه یک ضرورت است و گاه امری نیکو، همچنان که سخن گفتن نابه‌جا، امری نکوهیده است و گاه ممنوع. بر این اساس، منابع معرفتی دین، بر «سخن خوب گفتن» و «خوب سخن گفتن» تأکید بسیار کرده‌اند، همچنانکه سکوت را در بسیاری موارد لازم و ضروری شمرده‌اند.

فرهنگ‌نامه سخن و سکوت، در پی بر نمودن ظرافت‌های «سخن گفتن» و «سخن ناکفتن» بر اساس آیات و روایات است. این مجموعه، یکی از مدخل‌های دانش‌نامه قرآن و حدیث است که با توجه به نیاز جامعه مخاطب، به صورت جداگانه نیز منتشر می‌شود.

رحمت و غفران خداوند متعال بر روان آیه الله محمدی ری‌شهری (بنیان‌گذار مؤسسه دار الحدیث و سرمؤلف دانش‌نامه قرآن و حدیث)

۱. ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ • عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ انسان را آفرید • [او به او گفتار آموخت] (رحمن: آیه ۳-۴).

رک: ص ۲۷ (فصل دوم: جایگاه سخن / ارزش گفتار).

۲. رک: ص ۱۹۵ ح ۲۹۰.

که طراحى این اثر و دیگر مدخل‌های دانش‌نامه یاد شده با سعى و تلاش فراوان ایشان به انجام رسیدا

تلاش مُجدَّانه حجة الإسلام و المسلمین جناب آقای مرتضی خوش‌نصیب - که یاریگر اصلی این پژوهش و مترجم آن بوده‌اند - نیز شایسته قدردانی است.

همچنین سپاس‌گزاری از پژوهشگرانی را که در تدوین آثار پژوهشکده علوم و معارف حدیث مشارکت دارند، وظیفه خود می‌دانم. به مدد الهی، دیگر مدخل‌های دانش‌نامه قرآن و حدیث که قابلیت تک‌نگاری دارند نیز در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهند گرفت. امید که این اثر بر معرفت ما و خوانندگان بیفزاید و زمینه عمل به محتوای آیات و احادیث را در وجود ما فراهم آورد، بَمَنَّة و کَرَمِه.

سید محمد کاظم طباطبایی

پژوهشکده علوم و معارف حدیث

۱۳۰۱/۹/۲۰

درآمد

سخن گفتن، فعل ویژه انسان و متمایز کننده او از موجودات دیگر است و رفتار مقابل آن، سکوت و خاموشی است. این دو رفتار متقابل، تأثیری فراوان در چگونگی زندگی انسان و فرجام او دارند، تا جایی که برتری هر یک بر دیگری، مباحثه‌ای دیرین است که در جای خود باید بدان پرداخت. کتاب پیش رو در دو بخش جداگانه به گردآوری و تدوین متون دینی ناظر به این دو موضوع مهم و اثرگذار در سرنوشت انسان‌ها پرداخته و زمینه داوری در میزان ارزشمندی هر یک از سخن و سکوت را فراهم ساخته است.

شایان توجه، این که: این اثر در صدد است تا با ارائه مستقیم آیات و احادیث اسلامی و چینش نظام‌مند آنها به گونه‌ای که در حدّ توان، نیازی به توضیح و تبیین مطالب نشود، رسالت تبلیغی خود را در باره موضوع کتاب به انجام رساند.

نیم‌نگاهی به فصل‌های کتاب

واژه‌های «کلام»، «قول»، «نطق»، «لسان» و برخی دیگر، از جمله کلیدواژه‌هایی هستند که در متون دینی ما با به کارگیری آنها، از موضوع «سخن گفتن» یاد شده است و هست و نیست‌ها، باید و نبایدها و جایگاه

و احکام و آداب متعدّدی برای آن، بیان گردیده، با این تفاوت که تعبیر «لسان (زبان)» غالباً به معنای توان سخن گفتن و دیگر کلیدواژه‌های یاد شده، به معنای سخنان گفته شده به کار رفته‌اند.

در بخش نخست این کتاب و فصل اول آن، به پدیده‌ی شگفت تکلم و زبان‌آوری پرداخته شده است، با توصیف‌هایی از این دست که: زبان، حکایتگر نهفته‌های درون آدمی است یا زبان، ترازوی شخصیت آدمی است؛ زیرا سخنان افراد، به سان آینه‌ای، عقلانیت، استعداد و میزان دانش و مهارت آنان را به نمایش می‌گذارد.

فصل دوم به بیان جایگاه سخن و نقش آن در سعادت انسان اختصاص دارد؛ این که هر گاه فرد به مرحله‌ی پرهیزگاری و انسجام و استحکام درونی برسد و سخنش برآمده از خرد و حکمت و معرفت و قصدش از سخن گفتن، تبیین و ارشاد و پراکندن خیر و نیکی باشد، بی‌گمان در سخن گفتن نه خاموش ماندن، مأجور و سزایند تشویق است. آن که سخنش از درونش می‌جوشد و از آب‌سخور وحی و عقل فطری می‌نوشد و حاصل اندیشه و مطالعه و تجربه‌هایش را بر زبان جاری می‌کند، بسی شایسته‌تر است سخن بگوید، نه آن که خاموش بماند.

مجموع آیات و احادیث این فصل نشان می‌دهد که خواست خدای متعال، خاموش ماندن انسان نبوده است، و گرنه این دستگاه پیچیده سخن گفتن - یعنی از مغز تا حنجره و از لب و دندان تا دهان و زبان - را نمی‌آفرید. دعوت دین به سکوت کردن، در فرض زاید و نامفید بودن گفتار و برای مهار کردن زبان است. به سخن دیگر، سفارش به سکوت، مزیت مطلق و همیشگی آن را بر سخن گفتن نمی‌رساند، بلکه آن گاه که فرد هنوز مهارت کافی در شناخت گفتار صواب

و ناصواب را ندارد یا جایگاه طرح سخن را به درستی نمی‌شناسد و یا قادر به سنجش پیامدهای آن نیست، باید سکوت کند.

از سوی دیگر، تجویز سخن گفتن، نه به معنای درازگویی است؛ چرا که سخن خوب را می‌توان کوتاه و رسا و شیوا گفت، در صورتی که فرد گوینده به درجاتی از کمال عقلانی دست یافته باشد. افزون بر این، هر گاه انسان بداند که درباره گفتارش نیز همچون کردارش، حسابرسی و مواخذه می‌شود، میل به خاموشی و کمتر سخن گفتن در وی بیشتر می‌گردد. در مقابل، این را نیز باید دانست که گاه ساکت ماندن در برابر ستم یا خودداری از ارشاد دیگران و امر به معروف و نهی از منکر، نارواست. کوتاه سخن، این که: ارزش سخن و سکوت، وابستگی کامل به وظیفه عقلی و شرعی و اخلاقی انسان دارد.

فصل سوم، ناظر به حفظ زبان و فضیلت مراقبت و نگهداشت آن از لغزش در گفتار است.

احادیث این فصل، افزون بر تشویق به حفظ زبان، به خاستگاه آن نیز اشاره کرده‌اند، مانند: خردورزی، معرفت، ایمان، پرهیزگاری، خداترسی و نیز توجه به مواخذه شدن انسان به سبب گفتارش، ضمن این که برای موفقیت در این مورد نیز همچون دیگر ارزش‌های اخلاقی، دعا و درخواست از خداوند، بس مهم و اثرگذار است. مقطع پایانی این فصل نیز به آثار حفظ زبان اشاره دارد و این که مراقبت از زبان، در گستره شخصی، آسودگی و سلامت، و تکامل ایمان و دریافت حکمت و در عرصه اجتماعی، شخصیت و عزت انسانی و پوشیدگی عیب و دست یافتن به جایگاه امن و نیز قدرت اداره دیگران را به ارمغان می‌آورد و سرانجام، در مسیر عاقبت به خیری، به آدمی قدرت غلبه بر شیطان و راهیابی به بهشت را هدیه می‌دهد.

فصل چهارم، حکایتگر آسیب‌هایی است که از راه سخن گفتن، گریبانگیر افراد می‌شود. با مطالعه متون این فصل، می‌توان دلیل نکوهش زبان در برخی از آنها را دریافت. از نگاه این متون دینی اگر زبان رها و بی مهار گذارده شود، پیامدهای ناگوار و لغزش‌های پیاپی آن اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

افزون بر این، زبان بی مهار موجب نکوهش مردم و مایه ناخشنودی الهی و هلاکت و عذاب اخروی است. این، در حالتی است که برخی اخلاق پزوهان مانند غزالی و فیض کاشانی، ده‌ها آسیب اخلاقی را برای زبان برشمرده‌اند.^۱

فصل پنجم، به گونه‌بندی سخن پرداخته است. برخی گفتارها شایسته و برخی سخنان ناشایست‌اند. سخنی که برای یاد خدا و جبران خطای گذشته و تشویق دیگران به کار نیک یا آشتی دادن دو انسان و یا برای یاری حق باشد، بی تردید زمینه پاداش الهی را فراهم می‌آورد. در دیگر سوره سخن ناروا و باطل و نامفهوم و ناسنجیده و ناهمساز و دروغ و بیهوده و زشت و نیز گفتار بدون پشتوانه اعتقادی یا عملی، سخنی نکوهیده است. بر این سیاهه می‌توان افزود: سخنی که بیم تکذیبش از سوی مخاطب می‌رود، یا بر زبان آوردن آنچه را نمی‌دانیم و بدان اطمینان نداریم، یا گفتن همه آنچه را که می‌دانیم یا می‌شنویم. این مورد آخر، درد جامعه امروز است که به فضای مجازی مبتلاست. در این فضا و به دلیل راحتی نشر و نقل اطلاعات، برخی افراد، هر چه را دریافت می‌کنند، به سرعت و بدون تأمل و نقد، به اشتراک می‌گذارند. متأسفانه گاه سخن به تهمت و غیبت و دشنام و ناسزا و شوخی آزاردهنده نیز آلوده می‌شود که گناهای بزرگ به شمار می‌آیند.

از اینها که بگذریم، در این فصل، به پاره‌ای موارد مفید برای گویندگان و

مبلمان هم اشاره شده است، مانند: سخن نگفتن برای کسی که نشاط گوش دادن یا قدرت درک سخن را ندارد.

فصل ششم، به آداب نیکوی سخن پرداخته است. کم‌گویی و پرهیز از زیاده‌گویی، سخن را نیکو می‌کند و رعایت سطح فهم مخاطب، آن را پذیرفتنی و تفکر و تدبّر در سخن و راستی و درستی گفتار، به سخن جان می‌بخشد. چگونگی ادای کلمات نیز مهم است. روان سخن گفتن، پرهیز از عجله، ناقص ادا نکردن کلمات و بریده بریده حرف نزدن، همه مهم و اثرگذارند، همچنان که نظم سخن و تدوین درست آن، توضیح کافی و نرمی و رعایت ادب هم از آداب دل‌پذیر کننده کلام اند.

این فصل همچنین صفات یک سخن خوب را بیان کرده است. نخستین صفت سخن، خیر بودن آن است. زبان خیر داشتن و سخن از نیکی گفتن، غنیمتی گران‌بهاست. ویژگی دوم، طیب و پاکیزه بودن است. سخن پاک و پاکیزه در زمین نمی‌ماند، پرواز می‌کند و اوج می‌گیرد و عزّت پیدا می‌کند. فرمی، استواری، سلامت، شایستگی، بزرگواران‌ه بودن، نیکویی، سودمندی، عادلانه بودن، حق‌مدارانه بودن، حکیمانه بودن، درستی، زیبایی، رسایی، شیوایی و شیرین بودن، از ویژگی‌های یک سخن خوب و دل‌پذیرند.

بر این پایه و به اتکای برخوردار از معرفت ناب و حیانی می‌توان خاندان عصمت و هدایت علیهم‌السلام را امیران بیان دانست؛ زیرا اصل در سخن، سرچشمه گرفتن آن از دانشی درست و استوار است. تسلط معرفتی اهل بیت علیهم‌السلام به نظام هستی، توان برقراری ارتباط صحیح میان مفاهیم، مهارت گزینش

۱. «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا اِنَّهُ يَضَعُ الذُّكْرَ الطَّيِّبَ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» هر که عزّت می‌خواهد، [بداند که] عزّت، همگی از آن خداست. سخن پاک به سوی او بالا می‌رود و کردار نیک آن را بالا می‌برد. رک: فاطر: آیه ۱۰.

واژه‌های به‌جا و گویا و شیوا، و نیز مطابقت کامل رفتار و گفتار ایشان، زمینه نیل به قلّه سخنوری و تأثیرگذاری کلامی را برایشان فراهم نموده است. این بزرگواران، همچنین آداب و صفات نیکوی سخن را می‌دانستند و به کار می‌بردند و از این رو، افزون بر این که سخنانشان جامع است، آنها را به زیبایی هر چه تمام‌تر عرضه کرده‌اند.

دو فصل کوتاه هفتم و هشتم با پرداختن به نکته‌های یاد شده، نیمه نخست کتاب یعنی بخش سخن را به پایان می‌برند.

سکوت، خاموش ماندن و سخن نگفتن، موضوع بخش دوم و پایانی کتاب است که در هفت فصل تنظیم شده است.

در فصل نخست این بخش، به فضیلت و ارزش سکوت پرداخته شده است. سکوت برای اهل آن، عبادتی کم‌زحمت است که زمینه دریافت حکمت و نور الهی را فراهم می‌آورد، غیب آدمی را می‌پوشاند و بر آراستگی وی می‌افزاید. سکوت، خوبی نیکو، سراسر خیر و حافظ و یاور آدمی است. با وجود این فضیلت‌ها، روشن است که پیشوایان دینی به «سکوت» به عنوان اخلاقی نیکو و سودمند، ترغیب می‌کنند و حکیمانی مانند لقمان، آن را شیوه زندگی خود قرار می‌دهند. این، همان محتوای فصل دوم است.

در فصل سوم، آداب سخن نگفتن بررسی شده است. آیا هر سکوتی، در هر جایی و از سوی هر کسی مفید و اخلاقی است؟ آیا سکوت در برابر خیانت و زشتکاری رواست؟ سکوت دانا در پاسخ پرسش جستجوگران، چه طور؟ آیا سکوت بدون اندیشه و عبرت‌اندوزی، غفلت و بی‌خبری و بی‌تفاوتی نیست؟ پاسخ این پرسش‌ها را می‌توان در لا به لای احادیث این فصل یافت.

فصل چهارم، فواید و برکات خاموشی و سخن نگفتن را به نمایش

می‌گذارد که از آن جمله است: فروکش کردن نزاع‌ها، رهیدن از سرزنش‌ها و دشمنی‌ها و نیز افزایش وقار و هیبت و عزت انسان.

فصل پنجم، به خاستگاه خاموش ماندن و سکوت پرداخته است. هر کسی که درون خود را بکاود، این واقعیت را در می‌یابد که دم فرو بستن و در غیر مورد نیاز سخن نگفتن، بر خلاف ظاهر آن، چندان هم کاری سهل و ساده نیست. بینشی استوار می‌باید تا موجب شود زبان، بیهوده و به ناحق گشوده نشود. از این روست که احادیث این فصل، گویای این نکته اند که عقل و علم، هر یک، زمینه معرفتی کم‌گویی و خاموشی را فراهم می‌کند و حلم و بردباری، زمینه اخلاقی لازم را برای جلوگیری از لجام گسیختگی زبان و تندخویی و بدگویی، آماده می‌سازد.

فصل ششم، مواردی را بر می‌شمارد که بر سکوت در آنها تأکید بیشتری شده است. سکوت هنگام تلاوت قرآن، در تشییع جنازه در میدان نبرد، هنگام گوش دادن به خطبه نماز جمعه و نیز آن گاه که خشم یا رفتار نابخردانه کسی به فرد مقابل او فشار می‌آورد که مقابله به مثل کند. افزون بر این، جامعه اسلامی، جامعه سکوت و آرامش است و داد و هیا هو و غوغا در مجامع عمومی، گونه‌ای آلودگی صوتی به شمار می‌آید. از این رو شایسته است از آن پرهیز گردد.

فصل هفتم، به سکوت‌های نادرست اشاره دارد. سکوتی که نکته نغز و حکیمانه‌ای را از کسی دریغ می‌دارد، یا به حقپوشی به جای حقگویی می‌انجامد و یا گونه‌ای رضایت به منکر و ستم شمرده می‌شود، همه سکوت‌های نامطلوب اند.